

متن پیاده سازی شده جلسه هشتاد و سوم سال چهارم درس خارج فقه القضا 27 اردیبهشت ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی مسائل باقیمانده از شرط عدالت؛

با زیاد نمودن قیود تعریف، مصداق کمتری شامل تعریف می شود و برای عدالت این گونه رفتار شده است و خدمت محقق خوبی عرض نمودیم در سال های گذشته؛ تعریف فقهی شما از عدالت با معصوم علیه السلام چه فرقی دارد؟! بنابراین شارع اگر جعلی انجام داد نمی تواند طریقی را برای آن معین کند و عدم الطریق را طریقی قرار بدهد. این بدین معناست که شارع مقدس دست از مبنایش بردارد.

نکته دیگر: وقتی عدالت کارآیی گسترده دارد باید در معنا نمودن به عرف و لغت رجوع کنیم و اگر غیر این ملاک می بود باید روات از ائمه علیهم السلام سوال می نمودند. چطور در شریعت و فقه از طهارت تا دیات با عدالت مرتبط است اما کسی سوال نکرده مگر روایت عبدالله بن ابی یغفور که تشویش دارد. (لو کان لبان)

به علاوه این معنای ضیق از عدالت برای متاخر از متاخرین است و گرنه قدما نظیر شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی و... (نفس اسلام یا ظاهر الصلاة) این گونه معنا نموده اند.

یکی از فضیلتی درس بیان نموده: عدالت عرصه ای شما (خطاب به استاد محترم) شاهد جالب برای حکمت شارع می باشد؛ چرا که با توجه به تعریف شاهد عادل در فقه و قوانین موضوعه اساسا دلیل شهادت شهود را قبول ندارند چون که در حکم تشریفات شده است و قابلیت عمل نمودن ندارد و به عنوان نهادی برای اطمینان بهره می برند.

این مقدار که صیغه طلاق خوانده می شود در کشور و شاهد نیاز دارد آن هم به معنای فقهی! آیا درست است؛ اینان تارک کبیره و عدم اصرار بر صغیره و انجام واجبات را عمل می نمایند؟!

جنسیت شاهد: در اسلام روی مرد تکیه نشده است مخصوصا روی اعمال زنانه: عده و طهر و برخی اقسام زنا بنابراین جنسیت مطلقا در اسلام معتبر نیست.

به عبارت دیگر بگویم اصل اولی عدم اعتبار جنسیت خاص است بلکه وثوق و کارشناس کافی است مگر خلاف آن ثابت شود اما در مورد شک به اصل رجوع شود. پس هر کجا دلیل داشته باشیم حاکم باشد ولی در غیر آن چرا فتوا بدهیم؛ اگر کسی احتیاط را مطرح کند، این طرح احتیاط، خلاف احتیاط است.

اگر سوال شود طبق روایت مسعدة بن صدقه: مطلق بینه حجت باشد چه بگویم؛ بینه یعنی امر روشن، خوب کلام یک زن ثقه برای ما امر را روشن می کند جالب این که طبق قانون و فقه نباید کارشناس پزشکی قانونی زن داشته باشیم ولی 40 سال است که استخوان در زخم است!

اگر کسی بگوید: در قرآن شریف شهادت یک مرد یا دو زن مطرح شده است (فرجل و امرأتان)،... اصلا بحث ارزش مضاف مرد بر زن نیست (چه در ارث یا شهادت یا دیه) بلکه اگر کسی امام زمان خود را بکشد نعوذ بالله با یک شخص معلوم الحال دیه اش فرقی ندارد. حال اگر شخصی این آیه را ملاک دو زن برای شهادت قرار بدهد چه بگویم؛ حال اگر به عنوان دلیل قضایی بحث کنیم بله دو نفر را نیز شرط می دانیم ولی اماره قضایی یک نفر کافی است با این کلام اصل عدم تعدد زن از بین می رود.

نکته مهم: باید در عادل غیر از انجام واجبات، مستحبات، ترک محرّمات و مکروهات اوجاج نیز نداشته باشد؛ استقامت و فطانت نیز داشته باشد و گرنه این امور فقط شهادت این عادل را ثابت نمی کند.

اما کارشناس؛ آیا از نظر اسلام نظر کارشناس افتراقی است؟ یا متمرکز؟
مثلاً: کارشناس تشخیص دهد فلان زن مورد تجاوز واقع شده است منشأ این نیز آزمایش و اسپرم است، این آزمایش از نظر مدنی اعتبار دارد بنابراین مهر این خاتم را باید بدهد البته اگر به اکراه بوده باشد یا اگر از اله بکارت شده باشد ارزش بکارت را بدهد ولی اثبات زنا نمی‌کند این همان سیاست افتراقی است که از جهت مدنی ضامن ولی کیفری اثبات زنا نمی‌شود.